

بررسی روایات اهل بیت (ع) در تفسیر ثعلبی *

سیده وحیده رحیمی^۱
کبری باقری^۲

چکیده

مفسران اهل سنت در تفاسیر خود گونه‌های مختلفی از روایات اهل بیت (ع) را به شکل‌های گوناگون نقل کرده و عملکرد متفاوتی در نقل و نقد چنین روایاتی داشته‌اند. برخی به شکل گسترده به نقل روایات اهل بیت (ع) پرداخته و در تفسیر آیات قرآن از این روایات بهره برده‌اند و عده‌ای به نقل اندک این روایات بسنده کرده و در نقد و بررسی آنها دچار خطاهای فراوان شده‌اند. این پژوهش درصدد است تا میزان اقبال و نحوه تعامل ثعلبی، یکی از مفسران بزرگ اهل سنت در قرن پنجم هجری، در مواجهه با روایات اهل بیت (ع) را بررسی کند. در این پژوهش که به شکل توصیفی-تحلیلی انجام شده است، این دسته از روایات از تفسیر «الکشف و البیان» استخراج شده و تعداد و گونه‌های روایات هر یک از معصومان (ع) به شکل مجزا مورد مطالعه قرار گرفته است. نتیجه به دست آمده از این قرار است که ثعلبی با وجود نقل احادیث فراوان از اهل بیت (ع)، در نقل موضوعات مهمی مانند بیان مصادیق، فضائل اشخاص، جزئیات قصص و فضائل آیات و سوره‌ها روایات ضعیف بهره برده و در مواردی، اینگونه روایات را به اهل بیت (ع) نسبت داده است.

واژگان کلیدی: روایات تفسیری، اهل بیت (ع)، ثعلبی، الکشف و البیان.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / vrahimi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه قم / k.bagheri1011@yahoo.com

۱- مقدمه

روایات پیامبر (ص) و صحابه از دیدگاه اهل سنت، و روایات پیامبر (ص) و معصومان (ع) از دیدگاه شیعه، نقش به سزایی در تفسیر کتاب خدا داشته و از اولین و مهم‌ترین منابع در تفسیر قرآن است (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۰).

تحقیقات انجام شده در زمینه مراجعه مفسران اهل سنت به روایات اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که مفسران اهل سنت در سده‌های مختلف، عملکرد متفاوتی در تعامل با روایات اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن داشته‌اند. برخی مانند ابن عطیه (نوری، بی تا، ص ۷۲) و رشیدالدین میبدی (نوریها، بی تا، ص ۳۰) به شکل فراوان از این روایات استفاده کرده و با دیده انصاف آنها را نقل و نقد نموده‌اند، اما برخی مانند طبری، ثعالبی، ابن کثیر (امینی، ۱۳۹۲، ص ۴۱) و ابن جوزی (رحیمی و باقری، ۱۳۹۷، ص ۳)، نه تنها در مراجعه به اقوال اهل بیت (ع) کوتاهی داشته، بلکه در نقد و بررسی روایات اهل بیت (ع) نیز به دور از انصاف عمل کرده‌اند.

پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، رساله دکتری حسین خاکپور با عنوان «نقش، جایگاه و میراث تفسیری اهل بیت (ع) در منابع اهل سنت» و مقاله‌های «چگونگی تعامل طبری، ابن کثیر و ثعالبی با روایات تفسیری اهل بیت (ع)» نوشته نوروز امینی، «روایات امام صادق (ع) در تفسیر کشف الاسرار» نوشته شهید نوریها و «روایات امام صادق (ع) در تفسیر المحرر الوجیز» نوشته اعظم نوری و پایان نامه «نقش و جایگاه روایات تفسیری اهل بیت (ع) در زاد المسیر» نوشته سیده وحیده رحیمی و کبری باقری و مقاله ای با همین نام است، اما در زمینه رویکرد و نحوه تعامل ثعلبی با روایات اهل بیت (ع) تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

در پژوهش پیش‌رو، تفسیر «الکشف و البیان» (تفسیر ثعلبی) به شکل کامل مورد مطالعه قرار گرفته و روایات اهل بیت (ع) از این کتاب استخراج شده و با مراجعه به دیگر منابع تفسیری، حدیثی، فقهی و ادبی و با در نظر گرفتن سیر تاریخی منابع، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است.

۲- معرفی نویسنده «الکشف و البیان»

ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری از واعظان و مفسران مشهور اهل سنت قرن پنجم (م. ۴۲۷ یا ۴۳۷ ق)، فردی راستگو و امانتدار در نقل حدیث بوده و آشنایی کامل به زبان عربی داشته است. اساتید او بزرگانی از نیشابور مانند ابوطاهر محمد بن فضل بن خزیمه، ابومحمد مَخلدی، ابوبکر بن هانی، ابوبکر بن مهران المقری و ابو عبدالله حاکم نیشابوری بوده‌اند و از معروف‌ترین شاگردانش که روایت از او نقل کرده‌اند، ابوالحسن واحدی نیشابوری است (سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۵۸). از تألیفات او تفسیر بزرگ «الکشف و البیان» در ده جلد و کتاب «عرائس القرآن» را که به زبان فارسی و درباره قصص انبیاست، نام برده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، صص ۴۲۵-۴۲۷ / ابن خلکان، بی تا، ج ۱، صص ۷۹-۸۰).

ثعلبی از پیروان فرقه شافعی^۱ است که مهم‌ترین مذهب بلاد خراسان و شهر نیشابور در زمان سلطنت سلجوقیان بوده است. (روحی، ۱۳۹۳، ص ۷).

دوره سلجوقیان دوره درگیری‌های شدید مذاهب اسلامی بوده به طوری که پیروان هر فرقه به محله‌های دیگر فرقه‌ها حمله برده و اقدام به تخریب و آتش زدن مساجد، مدارس و خانه‌های مخالفان خود می‌کردند (همان)، اما ثعلبی در چنین شرایط آشفته و محیط پراشویی بی‌اعتنا به اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی شهر نیشابور که از مهم‌ترین مراکز فرقه شافعی و اختلاف مذاهب بود، به دور از تعصب عمل کرده و حتی به باور برخی، از نظر عقیده فردی نزدیک به تشیع است که فضایل بی‌شماری از اهل بیت (ع) در تفسیر «الکشف و البیان» نقل کرده تا جایی که علامه مجلسی آن را از مصادر «بحارالانوار» قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵/ قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱/ طهرانی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۶۶). از سویی، نقل روایات ضعیف موجب شده تا برخی بر او خرده گرفته و با وجود تمجید از شخصیت ممتاز علمی او، تفسیرش را در بردارنده احادیث ضعیف و موضوع شامل اسرائیلیات و روایات ساختگی راویان شیعه بدانند (ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۵۴/ ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۳). عده‌ای هم معتقدند که ثعلبی حدیث‌شناس نبوده و در تشخیص صحت و سقم حدیث، علم و دقت کافی نداشته است (ابن جوزی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۰)، اما در حقیقت، دلیل اصلی مخالفت با تفسیر ثعلبی، عنایت ویژه مفسر به نقل روایات شیعه در فضائل اهل بیت (ع) بوده و این تفسیر در شیوه نقل روایات تفاوت چندانی با دیگر تفاسیر روایی اهل سنت ندارد (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴۵).

۲-۱- ویژگی‌ها و ساختار تفسیر ثعلبی

ثعلبی در تفسیر سوره قرآن، ابتدا به بیان فضائل آن می‌پردازد و سپس، وارد مبحث قرائات شده و اختلاف قرائت واژه‌ها را از طبقات مختلف قراء به شکل مبسوط و گسترده بیان می‌کند و آنگاه، واژه‌ها و عبارات قرآنی را به وسیله روایاتی از صحابه و تابعین شرح و توضیح داده و در نهایت، در تبیین و تفسیر آیات، روایات بسیاری، گاهی با سند کامل و گاهی با سند ناقص و در موارد بسیاری نیز بدون سند، نقل کرده است. در اغلب موارد، پس از نقل روایات مختلف سکوت کرده و در موارد اندکی، نظر شخصی خود را بیان داشته و قول صحیح را مشخص می‌کند.

از ویژگی‌های بارز تفسیر ثعلبی بیان فضائل بی‌شمار اهل بیت (ع) است. برای نمونه، او در تفسیر آیه ۲۰۷ سوره بقره، قصه هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه و جانفشانی امیرالمؤمنین (ع) در «لیلة المبيت» را به تفصیل بیان کرده و با نقل روایتی از ابن عباس گفته است که این آیه در شأن علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۲۶) و در تفسیر آیه ۶۲ سوره آل عمران، قصه مباحله پیامبر (ع) با

۱. ابو عبد الله محمد بن ادریس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبد الله بن عبد یزید بن هاشم بن مطلب بن عبد مناف بن قصی قرشی مطلبی شافعی حجازی مکی، پایه‌گذار یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، در عسقلان و یا غزه به دنیا آمد و در دو سالگی با مادرش به مکه هجرت کرد. در سیزده سالگی به توصیه مسلم بن خالد الزنجی برای آموختن فقه به مدینه هجرت کرد و موطأ را نزد مالک بن انس آموخت و پس از مدتی به عراق سفر کرد. شاگردان بسیاری از جمله احمد بن حنبل، ابی ثور، زعفرانی و کرابیسی تربیت کرد و تألیفات بسیاری نوشت. سپس، به مصر رفت و در آنجا درگذشت (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۹، صص ۳۰-۳۱/ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۱، صص ۲۶۷-۲۶۸/ نووی، بی‌تا، ج ۱، صص ۸-۱۰).

مسیحیان نجران را روایت کرده که همراهان پیامبر (ص) در این واقعه، علی (ع)، فاطمه (س) و حسنین (ع) بودند و مسیحیان نجران با دیدن چهره‌های نورانی آن بزرگواران دست از مباحله کشیده و تن به مصالحه و پرداخت جزیه دادند (همان، ج ۳، ص ۸۵). در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده با نقل روایاتی از امام باقر (ع) و ابن عباس و دیگر صحابه، به نقل ماجرای غدیر خم و انتخاب امیرالمؤمنین (ع) به خلافت پیامبر خاتم (ص) پرداخته (همان، ج ۴، ص ۹۲) و در تفسیر آیه ۳۲ سوره احزاب (آیه تطهیر)، روایاتی از ابن عباس، ابوسعید خدری، عایشه، جعفر بن ابیطالب، عبدالله بن ابی‌عمار، زید بن ارقم و ابی‌الحمراء (همان، ج ۸، صص ۴۲-۴۴) و در تفسیر آیه ۲۳ سوره شوری (آیه مودت)، روایاتی از علی بن ابیطالب (ع)، عباس بن عبدالمطلب، ابن عباس، ام سلمه، مالک بن انس، سدی، مقاتل، کلبی و ابن‌الدیلم نقل کرده است که منظور از قریبی و خویشان پیامبر (ص)، علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) هستند (همان، ج ۸، صص ۳۱۰-۳۱۳). برخی صاحب‌نظران احتمال شیعه بودن ثعلبی را نپذیرفته و در نهایت، نتیجه گرفته‌اند که موضع‌گیری متعادلی در بین مفسران اهل سنت داشته است (جشنی آرنای، ۱۳۸۹، صص ۵۵-۸۴).

در تفسیر ثعلبی مباحث مختلف ادبی، فقهی، تاریخی و اخلاقی به صورت گسترده و همراه با تفصیل جزئیات مسائل بیان می‌شود که نشان دهنده وسعت آگاهی و تسلط مفسر بر علوم مختلف و البته، عدم دقت او در صحت و سقم اخبار فراوانی است که نقل کرده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۱). در این تفسیر، اسرائیلیات و فضائل ساختگی بسیاری توسط راویان ضعیفی مانند عمر بن ابراهیم بن خالد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۰) ابوعصمت، نوح بن ابی‌مریم^۲ (همان، ج ۸، ص ۲۴۹ و ج ۹، ص ۳۲۵) و سیف بن عمر^۳ (همان، ج ۸، ص ۳۲۲ و ج ۹، ص ۱۲) در فضائل آیات و سوره قرآن و بزرگداشت افراد مختلف صحابه نقل و حتی در مواردی، این احادیث موضوعه به اهل بیت (ع) نیز نسبت داده شده است.

ثعلبی برخلاف آنچه در مقدمه تفسیرش در مذمت گردآوری و نقل روایات، بدون فهم و درایت آن بیان داشته (همان، ج ۱، ص ۸) در تفسیر «الکشف و البیان» به گردآوری احادیث و روایات متعارض بسیاری در موضوعات مهمی مانند خلافت پیامبر خاتم (ص) بدون آنکه در پی حل تعارض آنها برآید، اقدام کرده است. برای نمونه، در تفسیر آیه ﴿... إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۷/۱۳)، دو روایت از ابن عباس و حذیفه نقل کرده است که پیامبر (ص) در حضور بزرگان صحابه، علی (ع) را هادی امت بعد از خود معرفی کرده (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۷۲) و در سبب نزول آیه ﴿سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ (معارج: ۱/۷۰)، اشاره به واقعه غدیر خم نموده و روایتی از امام جعفر صادق (ع) در ولایت و فرمانبرداری از امیرالمؤمنین

۱. علمای رجال اهل سنت او را فردی ضعیف و دروغگو دانسته و گفته‌اند که او روایات ناشناخته از صحابه و تابعین نقل می‌کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۲۰۲/ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۰).

۲. وی از کسانی بوده که برای ترغیب مردم به علم و عالمان و تلاوت قرآن، احادیثی ساخته و به ابن عباس و تابعین نسبت داده است (بخاری، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۹۶/ذهبی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۲/ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۲۱۷).

۳. علمای رجال اهل سنت او را تکذیب کرده‌اند؛ طبرانی گفته که در حدیث ضعیف است و در تاریخ خطاهای فاحشی دارد (طبرانی، ۱۴۰۳، ص ۸۱). نسائی گفته که ضعیف است (نسائی، ۱۴۰۶، ص ۱۸۷). ذهبی آورده است که نام‌های زیادی را ساخته که مجهول و ناشناخته‌اند و بزرگان علمای رجال اهل سنت را نام برده که همگی او را تضعیف کرده و احادیثش را منکر دانسته‌اند (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۶).

(ع) نقل کرده که پیامبر (ص) در غدیر خم آن را ابلاغ فرمود و کسی که با این امر مخالفت نمود، به نفرین پیامبر (ص) دچار عذاب و هلاکت شد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۵). در مقابل این دو روایت، روایتی از علی (ع) نقل کرده که خود را برتر از دیگر صحابه ندانسته و تعیین خلافت طبق نظر اهل سنت را خواست پیامبر (ص) عنوان کرده و مخالفین خلافت شیخین را مستحق حد افترا و شهادت کذب دانسته است (همان، ج ۹، ص ۲۳۶). همچنین، روایتی از ابن عباس در تفسیر سوره عصر نقل کرده که در آن پیامبر (ص)، ابوبکر را به عنوان جانشین خود معرفی کرده و عباس بن عبدالمطلب و علی (ع) را به قبول این امر ارشاد فرموده است (همان، ج ۱۰، ص ۳۲۲). به نظر می‌رسد، عدم موافقت صریح او در قبال این روایات، می‌تواند نشانگر عدم تعادل شخصیت وی در موضعگیریهایش باشد که باعث شده اهل سنت بر او خرده بگیرند. به علاوه، شاید تأخر در نقل این روایات، دال بر عدم قبول آنها باشد و در واقع، ثعلبی در شرایطی نبوده است که بتواند صریح‌تر از این نظر خود را ابراز کند.

۲-۲- نحوه تعامل ثعلبی با روایات اهل بیت (ع)

ثعلبی در تفسیر خود بیش از ۳۷۰ روایت از اهل بیت (ع) نقل کرده است و این تعداد روایات با توجه به اینکه تفسیر «الکشف و البیان» در ۱۰ جلد تألیف شده و در ذیل هر یک از آیات، تعداد زیادی از روایات صحابه و تابعین نقل شده، درصد اندکی از روایات این تفسیر است، اما در مقایسه با دیگر مفسران اهل سنت^۱ می‌توان گفت که ثعلبی عملکرد بهتری در میزان نقل روایات اهل بیت (ع) داشته است. همچنان که قبلاً گفته شد به نظر می‌رسد، رویکرد ثعلبی در ارائه روایات نسبت به دیگر مفسران اهل سنت تعادل بیشتری داشته است. از منظر تاریخی برای اثبات این مطلب شواهدی یافت نمی‌شود. به عبارتی، نمی‌توان علت واضحی برای این موضع‌گیری ثعلبی بیان کرد.

اکثر روایات نقل شده از اهل بیت (ع) در تفسیر ثعلبی با سکوت همراه است. وی در موارد اندکی نظر خود را در صحت و سقم روایات ابراز داشته و گاهی به تأیید روایت پرداخته و گاهی نیز روایت را مردود دانسته است. تأیید روایات امیرالمؤمنین (ع) در هفت مورد (همان، ج ۱، صص ۳، ۸۹، ۱۰۴ و ج ۳، ص ۲۷۰ و ج ۷، ص ۲۸۴ و ج ۸، ص ۲۵۸ و ج ۹، ص ۲۳۶) تنها با استفاده از روایات دیگر صحابه بوده و ردّ روایات امام علی (ع) در سه مورد (همان، ج ۲، ص ۱۷۰ و ج ۳، صص ۲۸۳ و ۲۵۷) با استفاده از فتاوی‌اش شافعی و دیگر فقها و در یک مورد که در اختلاف قرائت است (همان، ج ۶، ص ۱۳۸) به دلیل مخالفت قرائت امیرالمؤمنین (ع) با قرائت مشهور و خط مصاحف صورت گرفته است و ثعلبی دلیل دیگری در رد و تأیید روایات ارائه نکرده است و همچنین، تأیید روایت امام سجاد (ع) (همان، ج ۸، ص ۴۸) و ردّ روایت امام باقر (ع) (همان، ج ۵، ص ۱۷۲) و امام صادق (ع) (همان، ج ۷، ص ۱۰۷) با توجه به ظاهر آیه بوده است.

۱. طبق تحقیقات انجام شده، طبری ۳۹۸ روایت در تفسیر ۲۰ جلدی، ابن کثیر ۳۰۲ روایت در تفسیر ۹ جلدی، ثعلبی ۳۲ روایت در تفسیر ۵ جلدی (امینی، ۱۳۹۲، صص ۴-۲۱) ابن جوزی ۲۱۰ روایت در تفسیر ۴ جلدی (رحیمی و باقری، ۱۳۹۷، صص ۲-۲۸) از اهل بیت (ع) نقل کرده‌اند.

۳- گونه‌های روایات اهل بیت (ع) در تفسیر ثعلبی

روایات منقول از امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر ثعلبی در گونه‌های مختلف تفسیری بدین شرح است: ۴۵ مورد بیان مصادیق آیات، ۴۱ مورد بیان جزئیات احکام فقهی، ۴۱ مورد در مباحث اعتقادی، ۳۵ مورد مباحث اخلاقی-تربیتی، ۳۵ مورد اختلاف قرائت، ۲۴ مورد شرح و تبیین واژه‌ها و عبارات قرآنی، ۱۷ مورد بیان جزئیات قصص قرآنی و ۵ مورد سبب نزول.

۳-۱- بیان مصادیق آیات

در تفسیر ثعلبی ۴۱ روایت در بیان مصادیق آیات^۱ از امیرالمؤمنین (ع) بدون اظهار نظر مفسر در صحت و سقم روایات نقل شده است که از مهم‌ترین موارد آن نقل روایات ضعیف در فضائل برخی از صحابه می‌باشد؛

برای نمونه، در تفسیر آیه ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مانده: ۵ / ۵۴) و بعد از بیان وقایع پس از رحلت پیامبر خاتم (ص) و قتال ابوبکر با اصحاب رده، روایتی بدون سند از علی (ع) و برخی از تابعین نقل شده است که در آن مصداق کسانی که خدا را دوست دارند و خداوند نیز آنها را دوست دارد، ابوبکر و اصحاب او معرفی شده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۷۸۹).

سند این روایت^۲ به دلیل وجود سیف بن عمر که پیش از این معرفی شد، ضعیف است و روایات معارض با این روایت در منابع اهل تسنن (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۵۲ / بیهقی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳۱ / طبرانی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۳ / ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۵۰ / ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۹۱ / ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۸) و در منابع شیعه (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۶ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۲ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۹۶) وجود دارد که مصداق آیه را امیرالمؤمنین (ع) می‌داند.

ثعلبی در تفسیر آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ﴾ (انبیاء: ۲۱ / ۱۰۱) دو روایت از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده است. در روایت اول تنها عثمان را مصداق این آیه می‌داند و در روایت دیگر علاوه بر عثمان، امیرالمؤمنین (ع) و ابو بکر و عمر و طلحه و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف نیز از مصادیق آیه معرفی شده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۱۰).

طبق سیاق آیات و سبب نزولی که در تفسیر این آیه نقل شده است، مصادیق اصلی آیه خدایانی مانند عیسی و ملائکه و... هستند و بدون اینکه رضایتی به خدا بودن خود داشته باشند، مورد پرستش واقع شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۷۵ / واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ص ۲۰۶ / ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، صص ۳۱۲-۳۱۳ / بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۷۰ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۲۲۳) و مصداق گرفتن افراد دیگری مثل ابوبکر و عمر و عثمان و دیگران که کسی معتقد به خدای آنها نبوده، صحیح نیست و روایتی از علی (ع) در تفاسیر

۱. نک. موارد دیگری از روایات امیرالمؤمنین (ع) در زمینه بیان مصادیق آیات در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۲ و ج ۲، صص ۱۷، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۶۷ و ج ۳، صص ۱۴۸، ۳۰۴، ۳۲۳، ۳۲۹ و ج ۴، صص ۵۹، ۲۳۳ و ج ۵، صص ۹، ۱۳۰، ۲۸۱، ۳۱۹، ۳۴۸، ۷۸۹ و ج ۶، صص ۲۹، ۴۰، ۲۰۱، ۲۲۱، ۳۱۰ و ج ۷، صص ۱۳، ۲۴۰ و ج ۸، صص ۲۳۶، ۲۹۳، ۳۴۹ و ج ۹، صص ۱۲، ۶۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۵۰، ۲۰۲ و ج ۱۰، صص ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۳، ۳۰۳، ۳۰۵).

۲. طبری این روایت را از یک طریق و با سند «حدثني المشي قال ثنا عبدالله بن هشام قال أخبرنا سيف بن عمر عن ابي روق عن ابي ايوب عن علي» نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، صص ۱۸۴-۱۸۵).

اهل سنت با اختلاف نقل شده است که برخی گفته‌اند، فرمود: عثمان از آنهاست (طبری، ۱۴۲۲، ج ۱۷، ص ۷۵/ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۰۲/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۳۴۵) و گروهی گفته‌اند که فرمود: من از آنها هستم (ابن مردویه، ۱۴۲۴، ص ۲۸۰/ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۰۱) و بعضی افراد دیگری هم به آنها افزوده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۴۶۹/ طبرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۱۸/ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۱۵). به نظر می‌رسد، افرادی مانند ابوبکر و عمر و عثمان بعدها به اصل روایت افزوده شده و در واقع، بخشی از روایت موضوع است، زیرا همانطور که گفته شد، کسی می‌تواند مصداق این آیه باشد که به عنوان خدا مورد پرستش واقع شده باشد و از بین صحابه تنها در علی (ع) صدق می‌کند، چرا که گروهی از مسلمانان که به غلات معروف بوده‌اند، در برهه‌ای از زمان آن حضرت را خدا می‌خواندند و امیرالمؤمنین (ع) برائت خود را از این افراد ابراز داشت و با ایشان مقابله کرد و سردرسته آنها را کشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲۷/ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵ و ج ۱۸، ص ۲۸۲/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۲۸۵).

ثعلبی در تفسیر آیه ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ﴾ (زمر: ۳۹/ ۳۲)، روایتی بدون سند از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که ابوبکر همان کسی است که پیامبر (ص) را تصدیق کرد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۳۶).

در سند این روایت^۱ عمر بن ابراهیم بن خالد است که فردی دروغگو بوده و احادیث جعلی در فضیلت برخی صحابه نقل کرده است (ابن جوزی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۳۱۵، ۳۲۰).

۳-۲- بیان جزئیات احکام فقهی

شرح و تبیین جزئیات احکام فقهی از مباحثی است که ثعلبی اهتمام ویژه‌ای در بیان آن داشته و در مواردی مانند ارث، وصیت، وضو و تیمم روایات فراوانی ذیل آیات نقل کرده و گاهی در نهایت، نظر شخصی خود را نیز اظهار کرده است.

در این زمینه ۴۵ روایت^۲ از امام علی (ع) در تفسیر «الکشف و البیان» نقل شده است و ثعلبی در سه مورد فتوای مخالف روایت آن حضرت را برگزیده (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۲۸۳ و ج ۳، ص ۲۵۷) و در دو مورد روایت آن حضرت را تأیید کرده است (همان، ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۳، ص ۲۷۰). وی در ردّ و تأیید روایات امام علی (ع) از روایات دیگر صحابه و فتاوی شافعی بهره برده و دلیل دیگری ارائه نکرده است.

۱. طبری این قول را از یک طریق با این سند از علی (ع) نقل کرده است: «حدثني احمد بن منصور قال ثنا احمد بن مصعد المرزوي قال ثنا عمر بن ابراهيم بن خالد عن عبد الملك بن عمير عن اسيد بن صفوان عن علي رضي الله عنه» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۳).

۲. نك. روایات نقل شده از امام علی (ع) در بیان جزئیات احکام فقهی در ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۱ و ج ۲، صص ۲۲، ۵۷، ۹۶، ۱۱۸، ۱۵۵، ۱۷۰، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۸۳ و ج ۳، صص ۱۵۵، ۲۳۱، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۷، ۳۰۳، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۹۵ و ج ۴، صص ۱۸، ۲۲، ۲۹، ۳۲، ۶۷، ۱۰۳، ۱۰۷، ۳۶۱ و ج ۵، صص ۳۷ و ج ۶، ص ۱۳۲ و ج ۹، صص ۲۲۰، ۳۱۳ (دو مورد) و ج ۱۰، صص ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲.

ثعلبی در تفسیر آیه ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره: ۲۲۸/۲) و در بیان اختلاف فقها در معنی واژه «قرء» روایاتی از صحابه و تابعین نقل کرده است که بر این اساس فقهای اهل کوفه آن را حیض و فقهای اهل حجاز پاکی و طهارت می‌دانند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۷۰).

ثعلبی در تفسیر این آیه به نقل روایت نامعتبری (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۱۱۴-۱۱۵) از علی (ع) که معنی واژه «قرء» را حیض می‌داند، پرداخته و بر اساس فتوای صحابه و تابعین رد کرده است در حالی که فقهای شیعه طبق روایات اهل بیت (ع) اختلافی در معنی این واژه نداشته و آن را پاکی و طهارت دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۴، ص ۴۳/طوسی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵۶/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۶/حر عاملی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، صص ۲۱۰-۲۱۱/خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳۷).

ثعلبی در تفسیر سوره فاتحه و در وجوب و عدم وجوب قرائت آن توسط مأموم در نماز جماعت به بیان حکم فقهی این مسئله از دیدگاه مذاهب مختلف پرداخته و در نهایت، با نقل روایتی که به جمعی از صحابه از جمله علی (ع) نسبت داده، گفته است که مسلمین بر وجوب قرائت فاتحه توسط مأموم در نماز جماعت اجماع دارند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱ ص ۱۳۱).

در منابع فقهی شیعه، مأموم در قرائت فاتحه در نمازهای اخفاتیه، مخیر است، اما از قرائت آن در نمازهای جهریه، نهی شده و استماع قرائت امام بر مأموم واجب است (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۳ ص ۳۳/حر عاملی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۲۵ و ج ۸، ص ۳۵۵).

حکم مالک و فتوای قدیم شافعی نیز به همین صورت است و ابوحنیفه قرائت فاتحه توسط مأموم، چه در نماز جهریه و چه در نماز اخفاتیه را لازم نمی‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۱۰۴). بنابراین، ادعای اجماع مسلمین بر وجوب قرائت فاتحه در نماز صحیح نیست.

۳-۳- مباحث عقیدتی

در تفسیر ثعلبی ۴۱ روایت از امیرالمؤمنین (ع) در مباحث متفرقه اعتقادی نقل شده است. این موارد شامل فضائل پیامبر (ص) (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۳ و ج ۳، ص ۱۰۵ و ج ۶، ص ۲۰۷)، فضائل امیرالمؤمنین (ع) (همان، ج ۵، صص ۸۵، ۱۶۲، ۱۶۳ و ج ۸، ص ۳۱۱) و برخی صحابه (همان، ج ۴، ص ۱۰۸ و ج ۸، ص ۳۲۲ و ج ۹، ص ۲۳۶)، توصیف احوال بهشتیان (همان، ج ۶، ص ۲۳۰ و ج ۸، ص ۲۵۸) و ابواب جهنم (همان، ج ۵، ص ۳۴۲) و... است.

ثعلبی ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا...﴾ (انعام: ۱۵۹/۶) و در روایتی که خبر از آینده و شباهت امت اسلام با یهود و نصاری می‌دهد، از علی (ع) نقل کرده است که فرمود: «یهود هفتاد و یک فرقه و نصاری هفتاد و دو فرقه شدند و امت اسلام هفتاد و سه فرقه خواهد شد و از هر امتی تنها یک فرقه نجات می‌یابد و دیگر فرقه‌ها همه در آتش جهنم هستند» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۱۰).

این روایت مطابق روایت پیامبر (ص) در منابع شیعه و اهل سنت در تفرقه امت‌ها و شباهت امت اسلام به یهود و نصاری در همه امور است (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۳۵/حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۹/طبرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۳/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۴۹/طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۵۸۷-۵۸۸).

۳-۴- روایات اخلاقی - تربیتی

در جای جای تفسیر ثعلبی پس از بیان واژه‌شناسی و اختلاف قرائت و پرداختن به نکات مهم تفسیری، نکات اخلاقی مفیدی در حوزه‌های مختلف اخلاق فردی و اجتماعی بیان شده است که انسان را از غفلت دور کرده و متوجه هدف آفرینش او و جایگاه ابدیش می‌کند. در این زمینه ۳۵ روایت^۱ از علی (ع) نقل شده است که در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

ثعلبی در تفسیر آیه ﴿... وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره: ۱۲/۱۱۰) از انس بن مالک نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) هنگام وفات فاطمه (س)، دختر پیامبر (ص) در بیت شعری، جدایی از دوستان و فنای امورات دنیوی را یادآوری نموده و پس از دفن فاطمه (س) خطاب به مردگان فرمود: درود بر شما ای اهل قبور! دارایتان تقسیم و خانه‌هایتان مسکن دیگران شد و همسرانتان به ازدواج دیگران درآمد. این خبر ما به شماست و اما خبر شما برای ما چیست؟ ندا آمد: درود بر شما! آنچه خوردیم، سودمان بخشید و آنچه را فرستادیم، یافتیم و آنچه باقی گذاردیم، موجب زیان ما شد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۹).

وی در دستورالعملی فردی و برای بهره‌بردن از نعمت‌های الهی به موعظه و نصیحت افراد پرداخته و ذیل آیه ﴿... وَلَا تَسْ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا...﴾ (قصص: ۲۸/۷۷) از امام علی (ع) نقل کرده است که از سلامتی، توان، جوانی، شادابی و بی‌نیازی خود غفلت مکنید و از آن در طلب آخرت بهره‌مند شوید (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۶۱).

ثعلبی در استحکام بنیان خانواده و اساس جامعه بشری و برای دور نمودن افراد از هوس‌بازی و تنوع‌طلبی در امر ازدواج ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ...﴾ (طلاق: ۱/۶۵) در ذم طلاق از علی (ع) نقل کرده است که ایشان از قول پیامبر (ص) فرمودند: ازدواج کنید و از طلاق پرهیزید که طلاق عرش خدا را به لرزه در می‌آورد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۳۳).

۳-۵- اختلاف قرائت

اختلاف قرائت واژگان قرآنی از مباحثی است که اکثریت مفسران در شرح و توضیح آن اهتمام داشته‌اند. ثعلبی نیز در این زمینه کوتاهی نکرده و مانند دیگر مباحث، به شکل مبسوط به نقل آراء و نظرات قراء از طبقات مختلف صحابه و تابعین و قراء سبعة پرداخته است.

۱. روایات نقل شده از امیرالمؤمنین (ع) در زمینه مباحث اخلاقی در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۹ و ج ۳، صص ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۱۱، ۲۲۸، ۳۳۵ و ج ۴، ص ۱۶۱ و ج ۵، صص ۵۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۳۰۱، ۳۷، ۲۲۹ و ج ۶، ص ۱۱ و ج ۷، صص ۸۶، ۲۱۰، ۲۳۰، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۸۰، ۲۸۰ و ج ۸، صص ۱۷۴، ۲۴۴، ۳۱۹، ۳۴۲، ۳۶۴ و ج ۹، صص ۲۴۴، ۳۳۳ و ج ۱۰، صص ۱۵۱، ۱۸۲، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۷۷).

در تفسیر «الکشف و البیان» ۳۵ روایت، در اختلاف قرائت^۱ از علی (ع) نقل شده که در سه مورد روایات رد شده و در باقی موارد، بدون اظهار نظر نقل شده است.

در تفسیر آیه ﴿لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ﴾ (إسراء: ۱۷/۱۰۲) قرائت علی (ع) را نقل کرده است که ایشان «عَلِمْتُمْ» را به ضم (تاء) [عَلِمْتُمْ] قرائت کرده و دانستن را به موسی (ع) نسبت داده‌اند؛ برخلاف دیگر قراء که آن را به فتح (تاء) قرائت کرده و دانستن را به فرعون نسبت داده‌اند. در نهایت، ثعلبی با نقل نظر ابو عبید که سند قرائت را به دلیل وجود فردی مجهول در سلسله سند آن ضعیف دانسته، قرائت منسوب به امام علی (ع) را رد کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۳۸).

وی در تفسیر آیه ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ (قدر: ۴/۹۷) روایتی نقل کرده است که ابن عباس «أَمْرٍ» را «إِمْرِي» قرائت کرده و در ادامه گفته است: این قرائت علی (ع) نیز هست که دو وجه دارد؛ در وجه اول «إِمْرِي» به معنی فرشتگان و در وجه دوم به معنی مسلمین است، اما با توجه به خط مصاحف موجود و قرائت عامه مسلمین، این قرائت را رد کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۵۸).

۳-۶- شرح و تبیین واژگان و عبارات

نخستین گام فهم مضامین بلند آیات قرآنی، شناخت واژه‌ها و تبیین عبارات قرآنی است که از ابتدای نزول قرآن، توسط پیامبر خاتم (ص) و سپس، اصحاب ایشان پایه‌ریزی شد و در ادامه، لغویان به شناخت دقیق واژه و فروق آنها پرداختند و نتیجه تلاش آنها در تفاسیر مختلف به وضوح آشکار است. ثعلبی نیز از این امر مستثنی نبوده و به شکلی گسترده، واژه‌ها و عبارات قرآنی را شرح و توضیح داده است. در تفسیر «الکشف و البیان» ۲۴ روایت در شرح و تبیین واژگان^۲ از امام علی (ع) بدون اظهار نظر مفسر نقل شده است.

ثعلبی در تفسیر آیه ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (فاتحه: ۶/۱) روایتی از علی (ع) نقل کرده که آن حضرت هدایت را به راهنمایی معنا کرده است. معانی دیگر آن عبارتند از: ثبات قدم، توفیق و الهام از سوی پروردگار (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۱۸).

در تفسیر آیه ﴿... وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾ (رعد: ۱۳/۱۳) و در شرح واژه «شَدِيدُ الْمِحَالِ» روایتی بدون سند از علی (ع) نقل کرده که «شَدِيدُ الْمِحَالِ» را «شَدِيدُ الْاِخْذِ» معنی کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۸۰).

۱. نک. دیگر روایات علی (ع) در اختلاف قرائت در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۱۱۲ دو مورد، ۱۲۳ و ج ۲، صص ۱۳، ۵۹، ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۵۴، ۲۸۶ و ج ۴، صص ۲۷، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۸۵ و ج ۵، صص ۱۴۸، ۱۶۸، ۲۶۴، ۳۲۶ و ج ۶، صص ۸۵، ۱۳۸ و ج ۷، صص ۱۰۱، ۲۲۹، ۳۲۸ و ج ۸، صص ۱۳۳ و ج ۹، صص ۶، ۳۲، ۲۰۷ دو مورد، ۳۶۲ و ج ۱۰، صص ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۹۰، ۲۵۸، ۲۷۷ دو مورد، ۲۸۴).

۲. نک. روایات علی (ع) در زمینه واژه‌شناسی در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۱۱۸، ۱۶۴، ۱۳۶ و ج ۲، صص ۱۶۸، ۲۳۳، ۲۶۹ و ج ۵، صص ۲۸۰، ۱۲۱ و ج ۶، صص ۲۰۵ و ج ۷، صص ۱۴۲، ۱۵۶ و ج ۸، صص ۱۸۴، ۲۴۹ و ج ۹، صص ۳۵، ۱۲۰، ۲۰۱، ۲۰۹ و ج ۱۰، صص ۱۲، ۸۴، ۱۱۶، ۳۱۰، ۳۳۵، ۲۶۹).

سند روایت نقل شده از علی (ع) توسط ثعلبی و برخی دیگر از مفسران ضعیف است^۱ و این عبارت در منابع شیعه از اصبع بن نباته از علی (ع)، «شدید المکر» معنی شده است (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۷/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۴۵/ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۵۳).

۳-۷- جزئیات قصص گذشتگان

جزئیات قصص انبیاء و اقوام گذشته که در قرآن کریم به سرگذشت آنها اشاره شده، از مباحث مورد علاقه و توجه مسلمانان است که موجب شده تا مفسران مسلمان مطالب بسیاری در این زمینه در تفاسیر خود نوشته و روایات فراوانی از صحابه و تابعین نقل کنند که گاهی در این مورد بسیار افراط شده و علاوه بر مطالب کم اهمیت و بی ارزشی مانند نام سگ اصحاب کهف (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۶۰)، روایات ضعیفی نیز از افراد تازه مسلمان با عنوان اسرائیلیات به تفاسیر راه یافته است.

در تفسیر ثعلبی ۱۷ روایات از علی (ع) در بیان جزئیات قصص^۲ نقل شده و در همه موارد بدون توجه به صحت و سقم آنها، مورد پذیرش ثعلبی واقع شده است.

وی در تفسیر آیه ﴿... وَ مَا أَنْزَلَ عَلَی الْمَلْکِیْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ...﴾ (بقره: ۱۰۲/ ۲) سه روایت از علی (ع) نقل کرده که مخالف ظاهر قرآن و عصمت ملائکه است (طوسی، بی تا، ج ۱، صص ۲۷۵-۲۷۶/ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۰). در این روایات، زهره را ملکه‌ای از سرزمین فارس دانسته که دو فرشته هاروت و ماروت را فریب داد و با آنها مراوده نمود و اسم اعظم خداوند را از آنها فراگرفت و به آسمان چهارم رفت، اما در همانجا مسخ شد و به صورت ستاره‌ای درآمد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۴۷). در برخی موارد نیز روایاتی نقل شده است که به تنزیه انبیاء (ع) از طعنه‌های اسرائیلی پرداخته و به نقل از علی (ع) می‌گوید که هر کس سخن قصه‌گویان درباره داود (ع) را بازگو کند و به صحت آن معتقد باشد، دوبار حد بر او جاری می‌کنم، زیرا خداوند متعال داود (ع) را بزرگ داشته و موجب هدایت بندگان خود قرار داده است (همان، ج ۸، ص ۱۹۰) و همچنین، در براءت سلیمان (ع) روایتی نقل کرده است که علی (ع) با قصه کعب الاحبار که از داستان سرایان تازه مسلمان بود، مخالفت کرده و پیامبران (ع) را پاک و معصوم و به دور از ظلم و ستم دانسته است (همان، ج ۸، ص ۲۰۰).

۱. سند این روایت که طبری آن را نقل کرده، همان است که سیف بن عمر کذاب و وضاع در سلسله راویان آن قرار دارد و فضائل ساختگی بسیاری با این سند در شأن برخی از صحابه نقل شده است: «حدیثی المثنی قال ثنا عبدالله بن هشام قال أخبرنا سیف بن عمر عن ابی روق عن ابی ایوب عن علی» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۸۵).

۲. نک. روایات امام علی (ع) در زمینه جزئیات قصص در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۷۴، ۲۷۵ و ج ۳، ص ۱۴۲ و ج ۴، صص ۲۵۰، ۲۸۹ و ج ۵، ص ۳۲۶ و ج ۶، صص ۱۶۰، ۱۹۶ و ج ۸، صص ۶۶، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۰۰ و ج ۱۰، صص ۱۷۰، ۱۷۲ دو مورد).

۳-۸- سبب نزول

در تفسیر ثعلبی ۵ روایت از علی (ع) در زمینه سبب نزول^۱ نقل شده که مهمترین آن دو روایت در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ...﴾ (مجادله: ۱۲/۵۸) است که طبق این روایات، آیه نجوا در منزلت امیرالمؤمنین (ع) زمانی نازل شده است که برخی افراد برای خودنمایی با رسول خدا (ص) به صورت نجوا سخن گفته و موجب آزار ایشان و دیگر مسلمانان می شدند که در این هنگام به امر خداوند درخواست کنندگان نجوا با پیامبر (ص) ملزم به پرداخت صدقه شدند و این امر بر نجوا کنندگان گران آمد و تا زمان نسخ حکم این آیه بوسیله آیه بعدی، کسی غیر از علی (ع) نتوانست به حکم این آیه عمل کند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، صص ۲۶۱-۲۶۲).

ثعلبی در یک مورد که به بیان سبب نزول آیه ﴿... وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ...﴾ (احزاب: ۳۳/۳۷) می پردازد، ضمن گزارش همه موارد سبب نزول، به نقل از امام سجاد (ع) آورده است: آنچه پیامبر (ص) در دل خود پنهان می کرد، عهدی بود که خداوند با او بسته بود که زینب همسر او خواهد شد. وقتی زینب برای شکایت از زینب نزد پیامبر (ص) آمد، آن حضرت در حالی که آنچه را خدا می خواست آشکار شود، پنهان کرد و به زینب فرمود: همسرت را نگهدار و از خدا بترس.

ثعلبی روایات دیگر را با وجود نسبت های ناروایی که به پیامبر (ص) می دهد، مردود ندانسته و معتقد است که پیامبر (ص) نیز بنده ای از بندگان خداست که عبور این گونه خواطر از قلب او شایسته سرزنش نیست، اما در نهایت، روایت امام سجاد (ع) را قول قوی و پسندیده و مطابق با ظاهر آیه می داند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۸).

مفسران شیعه نیز این روایت را که مطابق با ظاهر قرآن و عصمت پیامبر (ص) است، بهترین قول در تفسیر این آیه دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۶۴/ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۴۹۷-۴۹۸).

در سبب نزول آیه ﴿اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (انفال: ۳۲/۸) از امام صادق (ع) نقل شده است که وقتی پیامبر (ص)، علی (ع) را به جانمایی خود برگزید و خبر به فردی بنام «حارث بن نعمان فهری» رسید و او برای مخالفت با امر رسول خدا (ص) درخواست عذاب کرد، سنگی از آسمان فرود آمد و بر سر او اصابت کرد و او را هلاک نمود (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۵).

این روایت در دیگر تفاسیر اهل سنت نیز با اندکی تفاوت در نام فرد مذکور نقل شده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۱/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۷۸/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۹، ص ۵۵).

۱. نک. روایات سبب نزول از علی (ع) در تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۸ و ج ۳، ص ۱۴۳ و ج ۴، ص ۱۱۴ و ج ۵، ص ۱۰۱ و ج ۹، ص ۲۶۱).

۳-۹- گزارش روایات سایر ائمه (ع) در تفسیر ثعلبی

ثعلبی ۱۱ روایت از امام حسن (ع) در مباحث گوناگون بدون اظهار نظر در تفسیر خود نقل کرده است. از جمله چهار مورد از این روایات در بیان مصداق (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۴۶ و ج ۷، ص ۳۳۳ و ج ۹، ص ۱۰۷ و ج ۱۰، ص ۱۶۵)، دو مورد تفسیر آیه به وسیله فعل امام (ع) (همان، ج ۲، ص ۱۹۱ و ج ۶، ص ۳۱۴) و در مواردی چون فضیلت اهل بیت (ع) (همان، ج ۴، ص ۲۳۳)، خبر از آینده (همان، ج ۱۰، ص ۲۵۷)، حاضر جوابی علی (ع) (همان، ج ۶، ص ۱۷۸)، مباحث اخلاقی (همان، ج ۸، ص ۲۲۵) و فواید اسب (همان، ج ۳، ص ۲۶) می‌شود، یک روایت نقل شده است.

در تفسیر آیه ﴿... وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (انبیاء: ۲۱/۱۱۱)، ثعلبی در روایتی از شعبی، سخنان امام حسن (ع) را هنگام صلح با معاویه نقل کرده است که فرمود: داناترین مردم، افراد باتقوا و نادان‌ترین آنها افراد ستمکار هستند و این امری (خلافت) که من و معاویه بر سر آن اختلاف داریم، چه حق دیگری باشد و چه حق من، از آن به خاطر (خیر) و صلاح این امت می‌گذرم (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۱۴). در منابع دیگر، دلیل امام (ع) بر واگذاری خلافت به معاویه و صلح با او، حفظ جان مؤمنین و صیانت از اموال مسلمین نیز نقل شده است (مغربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵/ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۵/ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۲۷۴). امام حسن (ع) در خطبه‌ای در حضور معاویه و اطرافیانش، ضمن بیان فضایل خود و اجدادش و رذایل معاویه و اجدادش، اهل بیت پیامبر (ص) را شایسته‌ترین افراد برای خلافت آن حضرت دانسته و دلیل خود از واگذاری این امر را خیرخواهی امت و حفظ اجتماع مسلمانان عنوان فرموده است (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۲۴۴).

۲۲ روایت از امام سجاد (ع)^۱ در تفسیر ثعلبی نقل شده است. از این تعداد ۶ مورد در بیان مصادیق، ۴ مورد در حکم فقهی، ۲ مورد در بیان جزئیات قصص، ۲ مورد در شرح و تبیین واژگان قرآنی و ۸ مورد در موضوعات مختلف است.

روایات امام باقر (ع)^۲ در تفسیر ثعلبی ۲۰ مورد است؛ ۷ مورد آن در بیان احکام فقهی آیات، ۳ مورد در بیان مصادیق، ۳ مورد تفسیر اخلاقی - تربیتی، ۲ مورد جزئیات قصص گذشتگان و ۵ مورد دیگر در

۱. روایات امام سجاد (ع) در تفسیر ثعلبی عبارتند از:

- بیان مصداق (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۵۸ و ج ۶، ص ۹۵، ۱۱۵ و ج ۸، ص ۵۴، ۳۱۱ و ج ۱۰، ص ۶۱)؛

- بیان جزئیات احکام فقهی (همان، ج ۲، ص ۷۱، ۹۶ و ج ۴، ص ۳۶۱ و ج ۸، ص ۵۳)؛

- بیان جزئیات قصص (همان، ج ۳، ص ۱۱۵ و ج ۷، ص ۱۳۵)؛

- واژه شناسی (همان، ج ۱، ص ۱۴۷ و ج ۴، ص ۱۹۷)؛

- موضوعات متفرقه (همان، ج ۱، ص ۲۰۵ و ج ۲، ص ۸۲، ۱۳۱، ۱۴۲ و ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۵، ص ۲۶۴ و ج ۷، ص ۲۳۰ و ج ۸، ص ۴۸).

۲. روایات امام باقر (ع) در تفسیر ثعلبی عبارتند از:

- بیان جزئیات احکام فقهی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۷۳، ۱۴۸، ۱۸۶ و ج ۳، ص ۱۱۶، ۲۸۵ و ج ۴، ص ۱۰۴ و ج ۵، ص ۶۰)؛

- بیان مصادیق (همان، ج ۷، ص ۱۹ و ج ۸، ص ۹۴ و ج ۱۰، ص ۷۷)؛

موضوعات مختلف است. ثعلبی در یک مورد به رد روایت امام باقر (ع) پرداخته و در نقل باقی موارد سکوت کرده است.

در تفسیر آیه ﴿... إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...﴾ (هود: ۴۶/۱۱) روایتی از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت پسر نافرمان حضرت نوح را پسر همسر ایشان می‌داند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۷۲). این روایت از امام باقر (ع) را تنها ثعلبی نقل ورد کرده و در منابع شیعه در این زمینه روایاتی از اهل بیت (ع) نقل شده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۰/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۸۵/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۰۵).

در تفسیر ثعلبی روایات امام صادق (ع) تعداد ۷۰ مورد، در گونه‌های مختلف و موضوعات گوناگون است. بیشترین روایات ایشان مربوط به گونه بیان مصادیق با ۱۵ مورد و سپس، روایات اخلاقی - تربیتی ۱۴ مورد، شرح و تبیین واژگان و عبارات قرآنی ۱۰ مورد، شرح و توضیح جزئیات احکام فقهی ۷ مورد، اختلاف قرائت ۷ مورد، بیان جزئیات قصص ۶ مورد و ۱۱ روایت در موضوعات متفرقه است. ثعلبی تنها یک مورد از روایات بیان مصداق را مردود دانسته (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۰۷) و در باقی موارد اظهار نظر نکرده است. در این روایت که در تفسیر آیه ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾ (نور: ۲۴/۳۶) است، امام صادق (ع) خانه‌های پیامبر (ص) را مصداق خانه‌هایی که خداوند آنها را بلند مرتبه قرار داده و هر صبح و شام یاد او در آن جاری است، می‌داند، اما ثعلبی با توجه به سیاق آیات، مساجد را که برای نماز و عبادت ساخته شده، بهترین مصداق آیه می‌داند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۰۷).

همانگونه که ثعلبی گفته، مساجد نیز می‌تواند از مصادیق واژه «بیت» در این آیه باشد، اما آنچه امام صادق (ع) بدان اشاره دارد، مصداق دیگری از آن است و این روایت در منابع شیعه نیز از آن حضرت نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۳۳۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۳۲).

- اخلاقی - تربیتی (همان، ج ۵، ص ۲۸۰ و ج ۱۰، صص ۵۰، ۲۴۴)؛

- بیان جزئیات قصص (همان، ج ۵، ص ۱۷۲ و ج ۷، ص ۲۴۴)؛

- موضوعات متفرقه (همان، ج ۲، صص ۲۲۹، ۳۰۲ و ج ۴، ص ۹۲ و ج ۵، ص ۶۱ و ج ۷، ص ۱۵۳).

۱. روایات امام صادق (ع) در تفسیر ثعلبی:

- روایات بیان مصادیق (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۱۲ و ج ۲، صص ۶۷، ۳۰۱ و ج ۳، صص ۱۵۱، ۱۶۳، ۲۹۵ و ج ۴، ص ۱۴۸ و

ج ۵، ص ۲۱۳ و ج ۶، ص ۱۲۷ و ج ۷، صص ۱۰، ۱۰۷، ۱۵۶ و ج ۹، صص ۶۲، ۳۱۷ و ج ۱۰، ص ۳۲)؛

- روایات اخلاقی - تربیتی (همان، ج ۲، ص ۲۸۸ و ج ۳، ص ۳۳۹ و ج ۴، صص ۶۲، ۳۱۸ و ج ۵، صص ۹۷، ۳۳۶ و ج ۷،

صص ۱۶۹، ۱۹۵ و ج ۹، صص ۹۹، ۱۹۲، ۲۴۵، ۳۲۲ و ج ۱۰، صص ۲۲۵، ۲۶۲)؛

- واژه شناسی (همان، ج ۱، ص ۹۹ و ج ۵، صص ۱۱۴، ۳۱۵ و ج ۶، صص ۱۲۰، ۲۳۶ و ج ۹، صص ۱۳۵، ۱۸۶، ۳۳۷ و ج ۱۰،

صص ۳۱۰، ۳۳۵)؛

- اختلاف قرائت (همان، ج ۱، ص ۱۲۲ و ج ۳، ص ۱۹۲ و ج ۴، ص ۱۰۴ و ج ۵، صص ۱۰۵، ۲۶۴ و ج ۶، ص ۱۶۰)؛

- بیان جزئیات احکام فقهی (همان، ج ۱، ص ۱۰۳ و ج ۲، صص ۷۳، ۱۱۸، ۱۵۱ و ج ۳، صص ۴۸، ۲۷۶ و ج ۵، ص ۲۹)؛

- بیان جزئیات قصص (همان، ج ۴، صص ۴۹، ۵۱ و ج ۶، صص ۱۸۷، ۱۸۸ و ج ۷، صص ۱۲۱، ۱۳۸)؛

- موضوعات متفرقه (همان، ج ۱، ص ۱۴۳ و ج ۲، ص ۲۲۸ و ج ۳، صص ۳۴، ۲۳۴ و ج ۶، ص ۱۰۳ و ج ۷، صص ۶۰، ۹۲، ۲۸۰

و ج ۸، ص ۱۰۷ و ج ۹، ص ۱۷۴ و ج ۱۰، ص ۳۵).

در تفسیر اخلاقی آیه ﴿... وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (حدید: ۲۳ / ۵۷) امام صادق (ع) می فرماید: ای فرزند آدم بر آنچه از دست رفته نگران و بر آنچه از دست خواهد رفت شادمان مباش (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۲۴۵).

در تفسیر آیه ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (فاتحه: ۳ / ۱) و در شرح و تبیین واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم» نقل شده است که امام صادق (ع) «الرحمن» را از جهت لفظ، خاص و از جهت معنا، عام و «الرحیم» را از جهت لفظ، عام و از جهت معنا، خاص می‌داند و می‌فرماید: «الرحمن» خاص است از آن جهت که کسی غیر از خداوند به این اسم خوانده نمی‌شود و عام است از آن جهت که رحمت خداوند در این معنی، از همه جوانب شامل حال موجودات می‌شود. «الرحیم» از آن جهت عام است که می‌تواند در نامگذاری بین خلق و خداوند مشترک باشد و خاص است از آن جهت که رحمت خداوند در این معنی تنها از لطف و توفیق پروردگار شامل حال بندگان می‌شود (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۹).

در توضیح این روایت امام صادق (ع) گفته شده که «الرحمن» رحمتی از جانب خداوند است که شامل همه موجودات اعم از انسان و حیوان و مؤمن و کافر می‌شود، اما «الرحیم» رحمت ویژه‌ای از جانب اوست که مخصوص مؤمنین است (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۸) و نیز به واسطه رحمت رحمانیه، موجودات خلق و بسط می‌یابند و به واسطه رحمت رحیمیه به کمال معنوی و هدایت باطنی خود می‌رسند (خمینی، ۱۴۱۶، ص ۴۳).

در تفسیر ثعلبی ۳ روایت از امام هفتم (ع) نقل شده است؛ یکی در فضیلت حج (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵۷) و دیگری در فضیلت سوره «الرحمن» که به این سوره لقب عروس قرآن داده است (همان، ج ۹، ص ۱۷۶) و روایت سوم در بیان مصداق آیه ۴ سوره تحریم است که امیرالمؤمنین (ع) را صالح المؤمنین معرفی می‌کند (همان، ج ۹، ص ۳۴۸). این روایت علاوه بر تفسیر ثعلبی در دیگر منابع نیز از طرق فراوان و با سند صحیح از صحابه و تابعین نقل شده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، صص ۳۴۱-۳۵۲ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۷۲).

آخرین امام شیعه‌ای که در تفسیر ثعلبی از او نقل روایت شده، امام علی بن موسی الرضا (ع) است. روایات ایشان در این تفسیر ۱۱ مورد و در گونه‌های مختلف^۱ است که از پدران بزرگوارش نقل کرده و ثعلبی بدون اظهار نظر در صحت و سقم روایات به گزارش آن اکتفا کرده است. به عنوان مثال، در تفسیر آیه ﴿لَسْتُمْ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر: ۸ / ۱۰۲)، امام هشتم از طریق پدران از رسول خدا (ص) نقل کرده است که منظور از نعمت‌ها در این آیه، خرما و آب خنک است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۷۸).

۱. گونه‌های روایات امام رضا (ع) در تفسیر ثعلبی عبارتند از: شرح و تبیین واژه (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۱۰، ص ۶۶، ۳۳۵)، بیان مصداق آیات (همان، ج ۸، ص ۳۱۱ و ج ۱۰، ص ۲۷۸)، روایات اخلاقی - تربیتی (همان، ج ۹، ص ۱۷۲ و ج ۱۰، ص ۱۰)، بیان جزئیات احکام فقهی (همان، ج ۱، ص ۱۰۶)، بیان فضائل اهل بیت (ع) (همان، ج ۸، ص ۳۱۲)، بیان جزئیات قصص (همان، ج ۵، ص ۲۱۳)، فضیلت سوره زلزله (همان، ج ۱۰، ص ۲۶۳) و بیان علت یتیم بودن پیامبر (ص) (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۵).

نتیجه گیری

ابو اسحاق احمد بن محمد ثعلبی از مفسران مشهور اهل سنت در قرن پنجم هجری در تفسیر «الکشف و البیان» روایات بسیاری از اهل بیت (ع) نقل کرده است.

از ویژگی‌های بارز تفسیر ثعلبی نقل روایات اخلاقی - تربیتی فراوان از اهل بیت (ع) و پند و اندرز صحابه و تابعین و عرفاست که انسان را متوجه مکارم اخلاق نموده و از غفلت و سهل انگاری دور می‌کند و از این نظر، می‌توان گفت که مخاطب اصلی تفسیر «الکشف و البیان» عامه مردم بوده است.

همچنین، نقل روایات بسیار در فضائل اهل بیت (ع) در ابتدای امر، او را فردی مایل به خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌نماید، اما با بررسی بیشتر و مطالعه روایات مخالف که در فضائل دیگر افراد صحابه نقل و در مواردی به امیرالمؤمنین (ع) هم نسبت داده است، شخصیتی متناقض‌گو و فاقد تفقه در شناخت و نقد حدیث از خود نشان داده که اخبار ضعیف و متعارض را گردآوری کرده و هرگز در پی حل تعارض اخبار با استفاده از دلایل عقلی و نقلی و منطقی نبوده است.

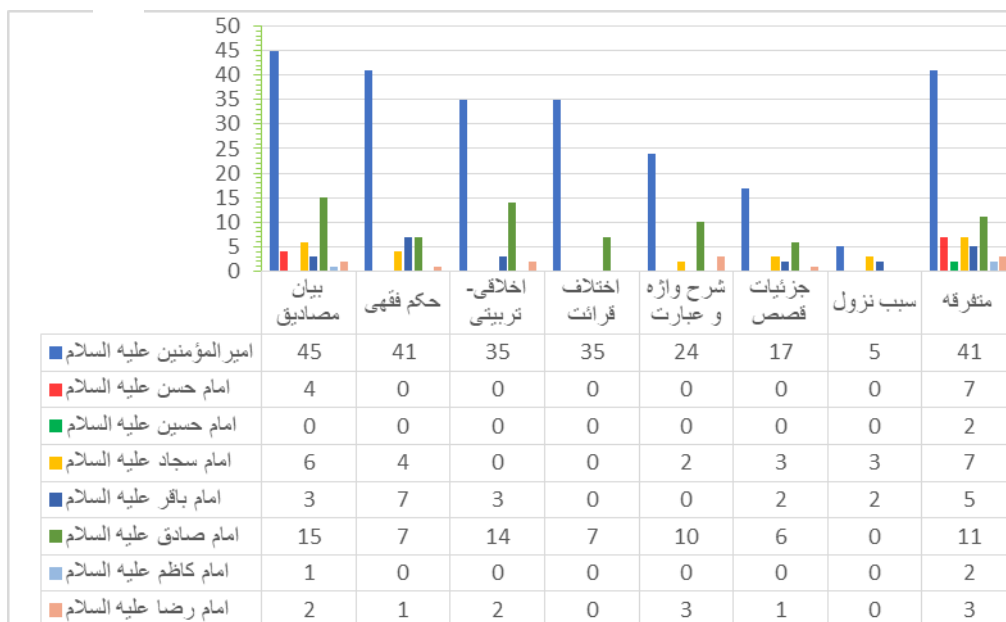
تعداد روایات اهل بیت (ع) در این تفسیر میزان قابل ملاحظه‌ای از حجم روایات را تشکیل می‌دهد که ۲۴۰ روایت از امیرالمؤمنین (ع)، ۱۰ روایت از امام حسن مجتبی (ع)، ۲ روایت از امام حسین (ع)، ۲۲ روایت از امام سجاد (ع)، ۲۰ روایت از امام باقر (ع)، ۷۰ روایت از امام صادق (ع)، ۳ روایت از امام کاظم (ع) و ۱۱ روایت از امام رضا (ع) است. (هرچند در این مقاله روایات امام حسین (ع) و تمام ۲۴۰ روایت امیرالمؤمنین (ع) ذکر نشده است)

این روایات در گونه‌های مختلف بیان مصادیق، جزئیات احکام فقهی، قصص انبیاء و اقوام گذشته، روایات اخلاقی - تربیتی، شرح و تبیین واژگان و عبارات قرآنی، اختلاف قرائت، سبب نزول و موضوعات متفرقه است و ثعلبی در نقل اکثر این روایات سکوت کرده و در موارد انگشت شمار به رد و یا تأیید روایات پرداخته و به هنگام رد یا تأیید روایات اهل بیت (ع) تنها به نقل تعدادی از روایاتی که توسط دیگران نقل شده، استشهاد جسته و دلیل دیگری ارائه نمی‌دهد.

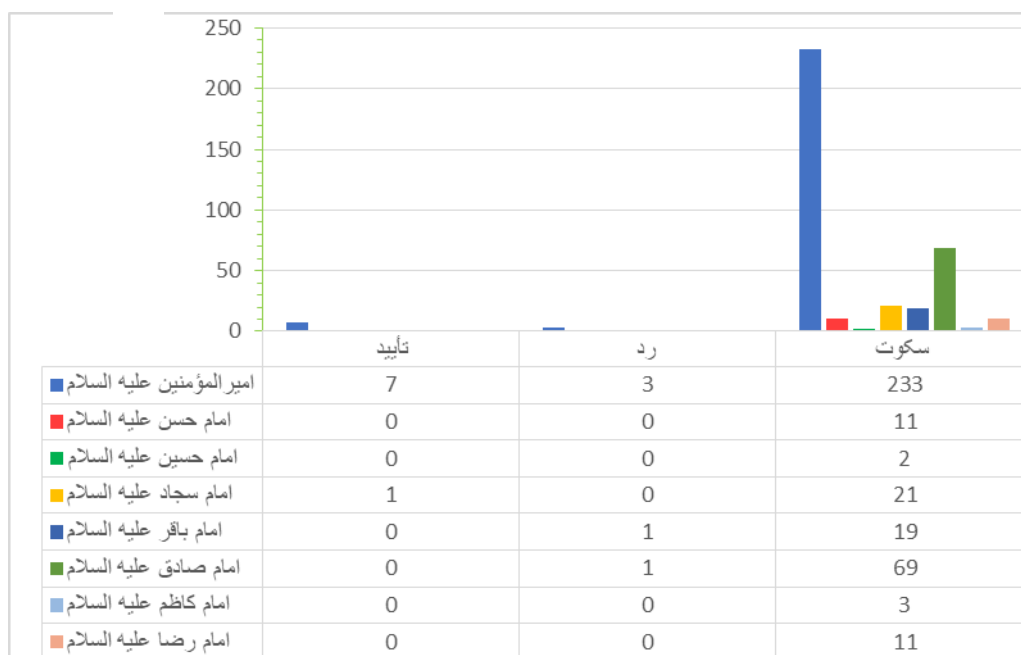
موضع‌گیری ثعلبی همانند برخی از مفسران اهل سنت این است که در مواردی روایات صحیح اهل بیت (ع) را مردود دانسته است.

ثعلبی در مقایسه با دیگر مفسران اهل سنت عملکرد قابل قبولی در مقدار نقل روایات اهل بیت (ع) داشته به طوری که این روایات در تفسیر ثعلبی بیش از ۳۷۰ مورد است و مفسر جز در موارد انگشت شمار، در رد و تأیید این روایات سکوت کرده است.

اما در کیفیت روایات نقل شده ثعلبی نیز مانند برخی از مفسران اهل سنت در شناخت حدیث و پایبندی به اصول و معیارهای نقد آن دچار خطا شده و روایات ضعیف بسیاری در تعیین مصادیق آیات، تفصیل جزئیات قصص انبیاء و اقوام گذشته و ذکر فضائل اشخاص و آیات و سوره قرآن نقل کرده و در مواردی این روایات را به اهل بیت (ع) نسبت داده است.



نمودار شماره ۱: روایات اهل بیت (ع) در تفسیر ثعلبی



نمودار شماره ۲: نحوه موضعگیری ثعلبی در برابر روایات اهل بیت (ع)

منابع و مأخذ

-قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعانی*؛ به کوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. احمد بن حنبل؛ *مسند*؛ بیروت: دارصادر، بی نا، بی تا.
۳. ابن ابی حاتم الرازی، عبدالرحمن؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ به کوشش اسعد محمد طیب، ریاض: مکتبه نزار المصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله؛ *شرح نهج البلاغه*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن تیمیه، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم؛ *مجموعه الفتاوی*؛ بی جا: بی نا، بی تا.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ *زاد المسیر فی علم التفسیر*؛ به کوشش مهدی عبدالرزاق، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۷. _____؛ *الموضوعات*؛ به کوشش عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ اول، مدینه منوره: مکتبه السلفیه، ۱۳۸۶ ق.
۸. ابن حبان، محمد؛ *الثقات*؛ چاپ اول، حیدرآباد دکن: مؤسسه الکتبی الثقافیه، ۱۳۹۳ ق.
۹. ابن حجر، احمد بن علی؛ *تهذیب التهذیب*؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابی بکر؛ *وفیات الاعیان*؛ به کوشش احسان عباس، بیروت: دارالثقافه، بی تا.
۱۱. ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد بن علی؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ نجف اشرف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۱۲. ابن عساکر، علی بن حسین بن هبه الله؛ *تاریخ مدینه دمشق*؛ به کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ابن عطیه، عبدالحق بن عبدالغالب؛ *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*؛ به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. ابن مردویه، احمد بن موسی؛ *مناقب علی بن ابی طالب*؛ به کوشش عبدالرزاق محمد حرزالدین، چاپ دوم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. امینی، نوروز؛ «چگونگی تعامل طبری، ثعالبی و ابن کثیر با روایات اهل بیت (ع)»؛ پژوهشهای قرآن و حدیث، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود؛ *معالم التنزیل*؛ به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین؛ *السنن الکبری*؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *التاریخ الکبیر*؛ دیار بکر (ترکیه): بی نا، بی تا.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره؛ *سنن الترمذی*؛ به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، چاپ دوم؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. ثعلبی، احمد بن محمد؛ *الکشف والبیان*؛ به کوشش ابو محمد ابن عاشور، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۲۱. جشنی آرانی، ماشاء الله؛ «مناقب اهل بیت (ع) در روایات تفسیر ثعلبی»؛ مجله شیعه شناسی، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۲۲. جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ چاپ سوم، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۳. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل؛ به کوشش محمد باقر محمودی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ بغداد؛ به کوشش مصطفی عبدالقادر عطاء، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیله؛ چاپ دوم، نجف اشرف: الآداب، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. _____؛ شرح دعای سحر؛ چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. _____؛ _____؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. ذهبی، محمد بن احمد؛ تاریخ الاسلام؛ به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. _____؛ سیر اعلام النبلاء؛ به کوشش شعیب الارنوط، محمد نعیم العرقسوسی، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق.
۳۲. _____؛ میزان الاعتدال؛ به کوشش علی محمد بجاوی؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۳۳. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر والمفسرون؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۴. راوندی، قطب الدین؛ الدعوات؛ به کوشش مدرسه امام مهدی، چاپ اول، قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ ق.
۳۵. رحیمی، سیده وحیده؛ باقری، کبری؛ «نقش و جایگاه روایات تفسیری اهل بیت (ع) در زاد المسیر»؛ مجله پژوهش های تفسیر تطبیقی، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۳۶. روحی، علیرضا؛ «مذهب در خراسان عصر سلجوقی»؛ دو فصلنامه پژوهش های تاریخ محلی ایران، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴) بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۳۷. سبکی، عبدالوهاب بن علی؛ طبقات الشافعیة الکبری؛ به کوشش محمود محمد الطناحی / عبد الفتاح محمد الحلو، بیروت: دار احیاء الکتب العربی، بی تا.
۳۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الرعایه فی علم الدرایه؛ به کوشش عبدالحسین محمد علی بقال، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.
۳۹. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه؛ علل الشرایع؛ به کوشش سید محمد بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۴۰. _____؛ معانی الاخبار؛ مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ق.

۴۱. طباطبایی، محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد؛ *الاوائل*؛ به کوشش محمد شکور بن محمود الحاجی، بیروت: دارالفرقان، ۱۴۰۳ ق.
۴۳. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۴. طبری، محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۶. _____؛ *الخلاف*؛ به کوشش مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. طهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعه؛ چاپ دوم*، بیروت: دارالاضواء، بی تا.
۴۸. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر العیاشی*؛ به کوشش هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۴۹. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحکام القرآن*؛ چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۵۱. قمی، عباس؛ *الکنی واللقاب*؛ طهران: مکتبه الصدر، بی تا.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۵۳. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار الجامعه لیراخبار الائمه الاطهار؛ چاپ دوم*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ *احکام النساء*؛ به کوشش مهدی نجفی، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۵۵. معرفت، محمد هادی؛ *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیش*؛ چاپ اول، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۵۶. مغربی، قاضی نعمان؛ *شرح الاخبار*؛ به کوشش سید محمد حسینی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، بی تا.
۵۷. نسائی، احمد بن شعیب؛ *الضعفاء والمترکون*؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۵۸. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم؛ *الغیبه*؛ به کوشش فارس حسون کریم، چاپ اول، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۲ ق.
۵۹. نوری، ابو زکریا محی الدین بن شرف؛ *المجموع*؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
۶۰. نوری، اعظم؛ «*روایات امام صادق (ع) در تفسیر المحرر الوجیز*»؛ مجله بینات، شماره ۷۶، سال نوزدهم، بی تا.
۶۱. نوریها، شهیده؛ «*روایات امام صادق (ع) در کشف الاسرار میبیدی*»؛ مجله بینات، شماره ۷۶، سال نوزدهم، بی تا.
۶۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ *اسباب النزول*؛ به کوشش کمال بسیونی زغلول، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.